

درباره موفقیت

- موفق باشی!
- به امید موفقیت‌های روز افزون!
- امیدوارم در آینده موفق شوی.
- و ...

این جمله‌ها را در هر سنی می‌شنویم! واقعاً موفقیت به چه معناست؟ وقتی به کسی می‌گوییم موفق باشی، یعنی چگونه باشی؟ اصلاً موفقیت یعنی چه؟

برای اولین بار این جمله را از شوهر خاله‌ام شنیدم؛ وقتی پنج‌ساله بودم و به عید دیدنی‌شان رفته بودیم. تصور کنید یک مرد ۵۰ ساله به یک دختر پنج ساله می‌گوید موفق باشی! یعنی چه؟ آن موقع بلافاصله از او پرسیدم: یعنی چه؟ و او برای مدتی به من خیره ماند. بعد برای اینکه بحث را عوض کند، شکلاتی از جیبش در آورد و گفت: «خب برو دیگه ...» از آن روز موفقیت برای من واژه‌ای بود که می‌دانستم چیست، اما نمی‌دانستم. تا به این سن خیلی با آن کلنجار رفته‌ام و حالا به نتایج موفقیت‌آمیزی رسیده‌ام!

موفقیت یعنی بهره‌مندی، کامیابی، کامکاری، پیروزی و ... اما خب شما از کجا می‌دانید که چه چیز باعث شادکامی طرف مقابلتان می‌شود که به او می‌گویید موفق باشد؟ اصلاً همه این‌ها را بی‌خیال، شما از کجا می‌دانید دستیابی به چه چیزی باعث موفقیت شما خواهد شد؟ در این مقاله می‌خواهم انواع موفقیت را برای شما شرح بدهم. گاهی شما تصور می‌کنید فرد موفق هستی، اما دیگران در مورد شما این طور فکری نمی‌کنند. از نظر بقیه شما نه تنها موفق نیستی، بلکه بسیار انسان دردمندی هستی. پس:

موفقیت نوع اول: نظر بقیه برای شما اهمیتی ندارد. بلکه خودتان هستید که باید از خودتان راضی باشید. برای مثال، شما از نظر خودتان یک بازی‌کن (گیمر) خفن محسوب می‌شوید، اما از نظر خانواده‌تان یک آدم عاطل و باطل هستید. البته نظر آن‌ها روی شما تأثیری ندارد.

هیچ‌گاه آن روز را یاد نمی‌رود. آن روزی که وسط پیاده‌رو ایستاده بودم و داشتم «رانی هلو» می‌خوردم. رانی تمام شده بود، اما من مطمئن بودم هنوز تکه‌های هلو در قوطی است. تمام تلاشم را کردم تا آن تکه‌های هلو لعنتی را بیرون بیاورم، اما پس از چند دقیقه به خودم آمدم و متوجه شدم همه صورت‌ها را بریده‌ام! ناامید نشدم! با چاقو قوطی فلزی را بریدم و آن تکه‌های هلو را از چنگال ظرف فلزی بی‌خاصیت نجات دادم! این برای من دستاورد بزرگی بود و من موفق شده بودم، اما این داستان را برای هر کس تعریف کنم، نه تنها از نظر او موفق نیستم، بلکه فکر می‌کند باید مرا بستری کنند.

در موفقیت نوع اول موفقیت شما به درد کسی نمی‌خورد. این از ویژگی‌های بارز این نوع موفقیت است.

موفقیت نوع دوم: نظر بقیه برای شما اهمیت دارد و در این صورت شما انسانی منفعل محسوب می‌شوید. یعنی تا زمانی که از سمت دیگران مورد قبول و تأیید واقع نشوید، همچنان خودتان را انسانی ناموفق تلقی می‌کنید. رضایت شما از خودتان به رضایت دیگران از عملکرد شما بستگی دارد. برای مثال، ممکن است تصور کنید بازیگری فوق‌العاده هستید، اما تا زمانی که طرفداران زیادی نداشته باشید، یا از سوی خیل عظیمی مورد تأیید واقع نشوید، خودتان را فرد موفق تلقی نمی‌کنید!

این دسته همیشه با نارضایتی مواجه‌اند و ممکن است تا آخر عمر طعم موفقیت را نچشند.

کیمیا بیابانکی



موفقیت نوع سوم: نظر هر دوی این‌ها برایتان مهم است. یعنی هم رضایت خودتان از خودتان و هم رضایت بقیه از شما. اگر یکی از این دو عنصر نباشد، فکر نمی‌کنید که موفق هستید! بارها شنیده‌اید که شما انسان منحصربه‌فرد و موفقی هستید، اما خودتان این‌گونه فکر نمی‌کنید. بلکه نظر خودتان در این باره خیلی مهم است. من این نوع موفقیت را بسیار می‌پسندم. در این نوع از موفقیت شما به اعتدال روی می‌آوردید و موفقیت شما می‌تواند به نفع جامعه نیز باشد.

اما خب ما همیشه در حال انتخاب کردن هستیم. یعنی گاهی معزمان اصلاً فرصت فکر کردن و انتخاب کردن ندارد. گاهی همه چیز به ما تحمیل می‌شود. حال انتخاب با شماست: «موفقیت در امری تحمیل شده و دوست نداشتنی؟» یا: «شکست و موفق نشدن در امری که کاملاً آگاهانه و آزادانه آن را انتخاب کرده‌اید؟»

مسئله اصلاً موفق شدن یا موفق نشدن نیست. مسئله رضایت انسان از خودش است. اگر در کاری که انتخاب کرده‌ای شکست خورده‌ای، ناراحت نباش، زیرا تو در کاری شکست خورده‌ای که خودت انتخاب کرده‌ای. و به عقیده من شکست در این نوع انتخاب بهتر از آن‌گونه پیروزی است که اصلاً بابت آن خوش حال نیستی!

دوستی داشتم که پدر و مادرش همیشه او را مجبور می‌کردند بسکتبال را خوب یاد بگیرد. یک روز در فلان مسابقه برنده شده بود. او را صدا زدند تا بالای صف برود و بقیه تشویقش کنند. اما در چهره او هیچ اثری از خوش حالی یا شادکامی و موفقیت نبود. او کاری را انجام داده بود که دوست نداشت و در کمترین حالت رضایت از خودش هم قرار نگرفته بود؛ با اینکه از نظر همه موفقیت بزرگی کسب کرده بود. حتی اگر فکر کنی که شکست خورده‌ای، اما مهم این است که در طول مسیر همواره از آن لذت برده‌ای و باعث رنجش تو نشده است.

